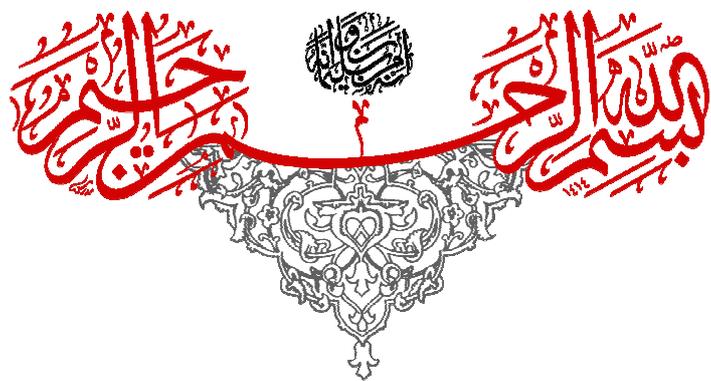


تراویح

ده پیچ خدمت برادران سلفی

مفتی محمد ابراهیم تیموری



ترویج

ده پنجم خدمت برادران سلفی

مفتی محمد ابراهیم تیموری

چاپ اول

رجب ۱۴۳۷ هجری قمری
مطابق گل ۱۳۹۵ هجری شمسی موافق می ۲۰۱۶ میلادی
تعداد ۱۱۰۰۰ نسخه

چاپ و نشر این کتاب به شرط عدم تغییر در آن اجازه عام است.



جدیدترین PDF کتاب را می توانید از نشانی ذیل اخذ کنید:

www.afghanicc.com/books

یا با نشانی (email) ذیل تماس بگیرید:

miteymori@gmail.com

یا با شماره ذیل در تلفون، واتس اپ یا تلگرام تماس بگیرید:

۰۰۴۴۷۷۷۶۰۰۳۱۳۷



فهرست



- ۸ حرف اول ﴿﴾
- ۹ برادران اهل سنت و جماعت ﴿﴾
- ۱۰ تعامل اهل سنت و جماعت در مورد تراویح ﴿﴾
- ۱۲ مسلک عملی برادران سَلَفی در مورد تراویح ﴿﴾
- ۱۳ برادران سَلَفی و دلیل آنها ﴿﴾
- ۱۴ **چلینج اول:** روش عملی هشتگانه برادران سَلَفی ﴿﴾
- ۱۵ آسانی برای برادران سَلَفی ﴿﴾
- ۱۶ آسانی بیشتر برای برادران سَلَفی ﴿﴾
- ۱۷ بازهم آسانی بیشتر برای برادران سَلَفی ﴿﴾
- ۱۷ بازهم آسانی بیشتر از پیش برای برادران سَلَفی ﴿﴾
- ۱۸ بیشترین آسانی برای برادران سَلَفی ﴿﴾
- ۱۹ آخرین حد آسانی برای برادران سَلَفی ﴿﴾
- ۲۱ اما نه به اتباع از روش استلال میرزا غلام احمد قادیانی ﴿﴾
- ۲۳ مثال این روش استدلال ﴿﴾
- ۲۵ یک نکته ضمنی ﴿﴾
- ۲۶ برادران سَلَفی یک نکته دیگر را نیز به یاد بسپارند ﴿﴾
- ۲۷ در آخر باز می گوئیم ﴿﴾
- ۲۹ **چلینج دوم:** یک مسجد قبل از قرن نوزدهم میلادی ﴿﴾
- ۳۱ اکنون می آئیم به سوی چلینج دوم ﴿﴾
- ۳۱ چلینج دوم خدمت برادران سَلَفی ﴿﴾



- ۳۳ **چلینج سوم:** حَرَمَیْن شَرِیْفَیْن
- ۳۴ چلینج سوم خدمت برادران سَلَفی
- ۳۶ **چلینج چهارم:** اجماع اُمت اسلامیة
- ۳۸ اجماع امت برآنکه حد اقل تراویح ۲۰ رکعت است
- ۴۰ چلینج چهارم خدمت برادران سَلَفی
- ۴۱ **چلینج پنجم:** ائمه اربعه اهل سنت و جماعت
- ۴۱ حضرت امام اعظم ابوحنیفه رحمته الله
- ۴۲ حضرت امام مالک بن انس رحمته الله
- ۴۲ حضرت امام محمد بن ادریس شافعی رحمته الله
- ۴۳ حضرت امام احمد بن حنبل رحمته الله
- ۴۴ چلینج پنجم خدمت برادران سَلَفی
- ۴۵ **چلینج ششم:** فرموله جدید: تراویح، وتر، تهجد یک نماز است ..
- ۴۷ چلینج ششم خدمت برادران سَلَفی
- ۴۸ **چلینج هفتم:** روایت بی بی عایشه و خود بی بی عایشه رضی الله عنها ..
- ۵۰ چلینج هفتم خدمت برادران سَلَفی
- ۵۱ **چلینج هشتم:** یک فقیه معتمد و مُسَلِّم قبل از سلفی ها ..
- ۵۲ چلینج هشتم خدمت برادران سَلَفی
- ۵۳ **چلینج نهم:** امام بخاری رحمته الله و روایت بخاری
- ۵۶ چلینج نهم خدمت برادران سَلَفی
- ۵۷ **چلینج دهم:** افغانستان و مردم افغانستان
- ۵۹ آمدیم بر سر مطلب
- ۵۹ چلینج دهم خدمت برادران سَلَفی
- ۶۰ خلاصه کلام
- ۶۱ درباره مؤلف

تزیح

ده پنجم خدمت برادران سلفی

مفتی محمد ابراهیم تیموری



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حرف اول



الْحَمْدُ لِلَّهِ وَكَفَى وَسَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَىٰ، أَمَا بَعْدُ!



همه ما مسلمانان بر قرآن کریم ایمان داریم و یقیناً باور داریم که قرآن کریم از باء بسم الله اش تا سینِ وَالنَّاسِ كِتَابِ خدا و معجزه جاودانه جناب حضرت محمد مصطفی **صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ** است. ما بر این ایمان داریم، ولی نه خداوند بر ما وحی فرستاده است و نه ما حضرت محمد مصطفی **صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ** را دیده ایم. پس دلیل ثبوت قرآن نزد ما مسلمانان چیست؟
دلیل ثبوت قرآن؛ تواتر اُمت و توارث اُمت می باشد.
سوره سوره و آیت آیت قرآن مجید و اینکه هر آیتش در کجای قرآن و هر سوره اش در کجای آن قرار داده شود همه اینها را هزاران اصحاب کرام **رضی الله عنهم** از سید کاینات و فخر موجودات جناب محمد مصطفی **صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ** اخذ کردند و سپس خلفای راشدین **رضی الله عنهم** آن را به همان صورت و همان ترتیب به شکل کتابی جمع و تحریر نموده برای استفاده عامه مسلمانان قرار دادند. میلیونها تابعین عظام و تبع تابعین و بیلیونها مسلمانان بعد ایشان قرن به قرن، نسل به نسل و طبقه به طبقه، همان قرآن را از طبقه قبل خود و نسل قبل خود و قرن قبل خود گرفته به طبقه و نسل و قرن بعد منتقل نمودند.



این طرز انتقال را «تَوَاتُر» و «تَوَاتُث» می گویند.
 پس امروزه قرآن مجیدی که ما و شما در دست داریم،
 این قرآن به شکل «تَوَاتُر» و «تَوَاتُث» به مامسلمانان رسیده است.
 اگر اکنون کسی بخواهد این قرآن متواتر را از روی روایات
 حدیثی (یعنی اینکه فلان از فلان روایت می کند...) ثابت بسازد،
 او جز ضیاع وقت خود و دیگران چیزی بدست نمی آرد، زیرا اثبات
 آیت قرآن مجید در همان مقام مخصوصش و اثبات سوره
 سوره قرآن مجید در همان جایگاه مخصوصش از روی روایات
 حدیثی محال است. چنین روایاتی نه وجود دارند و نه صحابه
 کرام و نه تابعین و نه سایر مسلمانان ضرورتی به اینکار دیدند و
 نه ضرورتی به اینکار داشتند.

آفتاب آمد دلیل آفتاب

گر دلیل خواهی روی از وی متاب

آفتاب در آسمان موجود است و در چشمدید همگان می
 باشد، اگر کسی بخواهد آن را ببیند، سر بلند کند و با چشمان سر
 آن را مشاهده نماید. ولی اگر کسی با وجود مشاهده آفتاب هنوز
 هم برای اثبات وجود آفتاب دلیل می خواهد این شخص نزد مردم
 نه عاقل بلکه دیوانه و بی عقل می باشد.

هیچ کس بُرهان نجوید بر وجود آفتاب

بر وجود او ظهور او دلیل روشن است

برادران اهل سنت و جماعت



درست به همین صورت، صحابه کرام  بیست رکعت
 نماز تراویح را از سید کاینات و فخر موجودات، جناب رسول خدا

محمد مصطفی **صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ** اخذ کردند و سپس خلفای راشدین **رَضِيَ اللهُ عَنْهُمْ** بیست رکعت تراویح را رسماً جاری گردانیدند و سایر صحابه کرام و تابعین ایشان و تبع تابعین (سه نسل و طبقه اولی اسلام که رسول الله **صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ** ایشان را نیکوترین و بهترین خلایق گفته اند) برآن عامل گردیدند و از آن زمان تا امروز، مسلمانان اهل سنت و جماعت هر قرن و هر نسل و هر طبقه برآن عامل بوده آن را به نوبه خود به طبقه بعدی و نسل بعدی و قرن بعدی تا زمان ما و نسل ما رسانیده اند، و ما مسلمانان اهل سنت و جماعت امروزه نیز مانند همه مسلمانان نسل‌های قبلی و قرن‌های قبلی نماز تراویح را بیست رکعت می‌دانیم، بلکه اجماع ما اهل سنت و جماعت است که حد اقل نماز تراویح در ماه مبارک رمضان بیست رکعت می‌باشد، و این بیست رکعت نماز تراویح از تواتر و توارث و تعامل اُمت اسلامی و اجماع صحابه کرام **رَضِيَ اللهُ عَنْهُمْ** ثابت است، درست به همان صورتی که قرآن مجید کتاب خدا و معجزه جاودانی پیغمبر ما **صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ** از روی همین گونه تواتر و توارث و تعامل ثابت می‌باشد.

پس دلیل بیست رکعت نماز تراویح ما اهل سنت و جماعت در واقع همان دلیلی است که کتاب خدا قرآن کریم توسط آن ثابت می‌باشد. هر کسی که دلیل نماز تراویح ما را قبول نداشته باشد، او گویا ادعاء می‌کند که العیاذ بالله دلیل اثبات کتاب خدا قرآن مجید را قبول ندارد.

﴿ تعامل اهل سنت و جماعت در مورد تراویح ﴾



اهل سنت و جماعت از زمان صحابه کرام **رَضِيَ اللهُ عَنْهُمْ** تا امروز در



طول یک هزار و چهار صد سال در طول شب های ماه مبارک رمضان بر علاوه نمازهای فرض و واجب و سنت و نفل، دو نماز دیگر می خوانند که یکی را که مخصوص ماه مبارک رمضان است در ابتدای شب بعد از نماز عشاء با جماعت در مسجد با ختم قرآن بیست رکعت می خوانند. این نماز را اهل سنت و جماعت فقط در ماه رمضان اداء می کنند و بس. و نماز دیگری را عموماً هشت رکعت در نزدیکی های سحری پیش از طلوع فجر به تنهایی در خانه خویش اداء می کنند و این نماز را هم در ماه رمضان و هم در سایر ماه ها در سراسر سال اداء می کنند. نماز اولی را اهل سنت و جماعت «نماز تراویح» و دوم را «نماز تهجد» می نامند. و همانگونه که گفتیم این طرز عمل اهل سنت و جماعت در مورد نماز تراویح به تواتر و توارث عملی و اجماع اُمت که سومین اصل دینی اهل سنت و جماعت است ثابت می باشد. بنابراین نماز تراویح عملی ما اهل سنت و جماعت با دلیل شرعی بلکه با همان دلیل شرعی ثابت می باشد که قرآن کریم را با همین شکل و ترتیبش ثابت می سازد.

اما برادران سلفی



اما «برادران سلفی» بیست رکعت تراویح متواتر و متواتر و اجماعی اُمت اسلامی را ترک و رد کرده نماز تراویح را هشت رکعت معرفی می نمایند.

سوال اینست که مسلک عملی این برادران سلفی چیست؟ پس نخست بیاید بنگریم که مسلک عملی کامل «برادران سلفی» ما در مورد نماز تراویح چگونه است.

﴿ مسلك عملی برادران سلفی در مورد تراویح ﴾



مسلك عملی برادران سلفی در ماه مبارک رمضان اینست

که آنها:

﴿ ۱ ﴾ «فوراً بعد از نماز عشاء» در ابتدای شب

﴿ ۲ ﴾ «هشت رکعت» می خوانند

﴿ ۳ ﴾ و این نماز را «تراویح» می نامند و

﴿ ۴ ﴾ تراویح را «در تمام ماه رمضان» می خوانند

﴿ ۵ ﴾ تراویح را «در جماعت» می خوانند

﴿ ۶ ﴾ تراویح را «در مسجد» می خوانند

﴿ ۷ ﴾ تراویح را «دو دو رکعت» می خوانند

﴿ ۸ ﴾ و «قرآن را در تراویح ختم» می کنند

گرچه آنها این مسلك عملی خود را عمل به «قرآن و حدیث» نام می نهند اما در واقع این مسلك عملی برادران سلفی ما در مورد آن عملی که آنها آن را «نماز تراویح» سلفی می خوانند از کتاب خداوندی و حدیث نبوی ثابت نیست و هیچ کسی از آنها قدرت ندارد که این مسلك عملی خویش در مورد نماز تراویح را از روی «قرآن و حدیث» ثابت بگرداند.

ما در صفحات آینده در مورد این مسلك عملی آنها در مورد نماز تراویح ده چلینج ارائه می کنیم تا همه مسلمانان به وضوح و سهولت ببینند که حقیقت چیست.

اکنون قبل از ادامه سخن دوباره یادآوری می کنیم که مسلك عملی کامل برادران سلفی در مورد تراویح اینست که آنها:

﴿ ۱ ﴾ «فوراً بعد از نماز عشاء» در ابتدای شب

چلیج اول



روش عملی هشت گانه برادران سلفی



چنانکه گفتیم مسلک عملی برادران سلفی در ماه مبارک رمضان اینست که آنها:

- ﴿۱﴾ «فوراً بعد از نماز عشاء» در ابتدای شب
- ﴿۲﴾ «هشت رکعت» نماز می خوانند
- ﴿۳﴾ و این نماز را «تراویح» می نامند و
- ﴿۴﴾ تراویح را «در تمام ماه رمضان» می خوانند
- ﴿۵﴾ تراویح را «در جماعت» می خوانند
- ﴿۶﴾ تراویح را «در مسجد» می خوانند
- ﴿۷﴾ تراویح را «دو دو رکعت» می خوانند
- ﴿۸﴾ و «قرآن را در تراویح ختم» می کنند

اکنون ما اهل سنت و جماعت، به تمامی برادران سلفی می گوئیم که اگر در این ادعای شان که «غیر مقلدین دو اصول دارند: فرمان خدا و حدیث رسول» صادق هستند، پس مسلک عملی هشتگانه فوق خود را مطابق ادعای خود از روی فقط یک آیت قرآن مجید و یا تنها یک حدیث «صحیح بخاری شریف» از حضرت رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثابت کنند که در آن آیت و یا حدیث بخاری صراحتاً مذکور باشد که الله تعالی و یا رسول اکرم

﴿۱۵﴾

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این مسلک عملی برادران سلفی را:

- ﴿۱﴾ «تراویح» نامیده باشد
- ﴿۲﴾ و این تراویح را «فوراً بعد از نماز عشاء» خوانده باشد
- ﴿۳﴾ و این تراویح را «هشت رکعت»
- ﴿۴﴾ در «تمام ماه رمضان»
- ﴿۵﴾ «در جماعت».
- ﴿۶﴾ «در مسجد»
- ﴿۷﴾ و «دو دو رکعت» خوانده باشد
- ﴿۸﴾ و «قرآن را در تراویح ختم» کرده باشد.

﴿۱۶﴾

ما اهل سنت و جماعت به برادران سلفی تکلیف زیادی نمی دهیم و از آنها احادیث فراوانی هم مطالبه نمی کنیم بلکه از آنها صرف می خواهیم که برای اثبات این مسلک عملی هشت گانه خود تنها یک آیت قرآن مجید و یا فقط یک حدیث صحیح بخاری شریف از جناب مبارک رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را ارائه کنند و بس. فقط یک آیت و یا یک حدیث بخاری و بس!

آسانی برای برادران سلفی:

خیر؛ ما اهل سنت و جماعت برای آسانی برادران سلفی از شرط قرآن و صحیح بخاری نیز می گذریم و به آنها می گوئیم که برای اثبات این مسلک عملی هشتگانه شان در مورد تراویح فقط یک حدیث از صحیح مُسَلِم شریف را ارائه کنند که در آن حدیث صحیح مُسَلِم شریف به صراحت مذکور باشد که حضرت رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این مسلک عملی برادران سلفی را:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ﴿۱۶﴾

- ﴿۱﴾ «تراویح» نامیده باشد
- ﴿۲﴾ و این تراویح را «فوراً بعد از نماز عشاء» خوانده باشد
- ﴿۳﴾ و این تراویح را «هشت رکعت»
- ﴿۴﴾ در «تمام ماه رمضان»
- ﴿۵﴾ «در جماعت»
- ﴿۶﴾ «در مسجد»
- ﴿۷﴾ و «دو دو رکعت» خوانده باشد
- ﴿۸﴾ و «قرآن را در تراویح ختم» کرده باشد.

آسانی بیشتر برای برادران سلفی:

بلکه ما اهل سنت و جماعت از شرط صحیح مُسَلِّم شریف نیز می‌گذریم و برای برادران سلفی سهولت می‌دهیم که بخاطر اثبات این عمل هشتگانه‌شان در مورد تراویح فقط یک «حدیث صحیح» از جامع ترمذی شریف ارائه کنند، و اگر از آن نمی‌توانند، از «سُنَن نَسَائِی» ارائه کنند، اگر از آن نمی‌توانند، از «سُنَن ابُو داود» ارائه کنند، اگر از آن نمی‌توانند، از «سنن ابن ماجه» ارائه کنند. فقط یک حدیث صحیح از هر کتاب «صِحَاحِ سَنَّة» که میل دارند یا توان دارند ارائه کنند که در آن حدیث شریف صریحاً مذکور باشد که جناب رسول اکرم **صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ** این مسلک عملی برادران سلفی را:

- ﴿۱﴾ «تراویح» نامیده باشد
- ﴿۲﴾ و این تراویح را «فوراً بعد از نماز عشاء» خوانده باشد
- ﴿۳﴾ و این تراویح را «هشت رکعت»
- ﴿۴﴾ در «تمام ماه رمضان»

﴿۵﴾ «در جماعت».

﴿۶﴾ «در مسجد».

﴿۷﴾ و «دو دو رکعت» خوانده باشد

﴿۸﴾ و «قرآن را در تراویح ختم» کرده باشد.

باز هم آسانی بیشتر برای برادران سلفی:

بلکه ما اهل سنت و جماعت بخاطر آسانی برادران سلفی جهت اثبات تراویح عملی شان حالا از شرط صِحاحِ سَنَّة نیز می گذریم و برای برادران سلفی سهولت می دهیم تا این عمل هشتگانه شان در مورد تراویح را اکنون توسط فقط یک حدیث صحیح از هر کتاب حدیث (باز تکرار می کنیم از هر کتاب حدیث) که قدرت دارند ثابت نمایند.

و برای آسانی برادران سلفی می گوئیم که تقریباً بیش از یک هزار و پنج صد کتاب حدیث شریف تا به حال به چاپ رسیده است. شما عزیزان از هر کدام آنها که میل یا توان دارید این عمل هشتگانه خود را فقط توسط یک حدیث صحیح آن کتابها ثابت بگردانید.

باز هم آسانی بیشتر از پیش برای برادران سلفی:

بلکه اکنون ما اهل سنت و جماعت باز برای برادران سلفی جهت اثبات تراویح عملی مسلک شان بیشتر از پیش آسانی و سهولت می دهیم و می گوئیم که ما اهل سنت و جماعت حالا از شرط «حدیث صحیح» هم می گذریم و برادران سلفی را اجازه می دهیم که این عمل هشتگانه شان در مورد تراویح را مطابق ادعای شان (قرآن و حدیث) حتی از یک «حدیث حَسَن» ثابت

کنند که در آن «حدیث حَسَن» صریحاً مذکور باشد که حضرت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این مسلک عملی برادران سلفی را:

- ﴿۱﴾ «تراویح» نامیده باشد
- ﴿۲﴾ و این تراویح را «فوراً بعد از نماز عشاء» خوانده باشد
- ﴿۳﴾ و این تراویح را «هشت رکعت»
- ﴿۴﴾ در «تمام ماه رمضان»
- ﴿۵﴾ «در جماعت»
- ﴿۶﴾ «در مسجد»
- ﴿۷﴾ و «دو دو رکعت» خوانده باشد
- ﴿۸﴾ و «قرآن را در تراویح ختم» کرده باشد.

بیشترین آسانی برای برادران سلفی:

بلکه اکنون ما اهل سنت و جماعت باز برای برادران سلفی جهت اثبات مسلک عملی شان در مورد تراویح سهولت بیشتر از پیش می دهیم و می گوئیم که ما از شرط «حدیث صحیح» هم گذشتیم و از شرط «حدیث حَسَن» هم می گذریم و اکنون برای برادران سلفی اجازه است که مطابق ادعای شان (قرآن و حدیث) این عمل هشتگانه شان در مورد تراویح را حتی از یک «حدیث ضعیف» نیز ثابت کنند که در آن «حدیث ضعیف» به صراحت مذکور باشد که حضرت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این مسلک عملی برادران سلفی را:

- ﴿۱﴾ «تراویح» نامیده باشد
- ﴿۲﴾ و این تراویح را «فوراً بعد از نماز عشاء» خوانده باشد
- ﴿۳﴾ و این تراویح را «هشت رکعت»
- ﴿۴﴾ در «تمام ماه رمضان»

﴿۵﴾ «در جماعت»

﴿۶﴾ «در مسجد»

﴿۷﴾ و «دو دو رکعت» خوانده باشد

﴿۸﴾ و «قرآن را در تراویح ختم» کرده باشد.

آخرین حد آسانی برای برادران سلفی:

همه ما مسلمانان به یقین می دانیم که خداوند متعال در باره کسانی که دروغ می گویند می فرماید:

لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ.

لعنت خدا بر دروغ گویان باد. (سوره آل عمران آیه ۶۱)
و حضرت رسول خدا محمد مصطفی **صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ** درباره کسانی که بر ذات مبارک ایشان کذب و دروغ می بندند فرموده اند:

«مَنْ كَذَبَ عَلَيَّ فَلْيَتَّبِعُوا مَفْعَدَهُ مِنَ النَّارِ».

ترجمه: هر کسی بر من دروغ ببندد، جای خود را در آتش دوزخ آماده بداند. (صحیح البخاری شریف: حدیث ۱۰۷ و صحیح مُسْلِم شریف: حدیث ۳)

محدثین بزرگوار آن روایتی را که بعضی دروغگویان از خود ساخته و به نام مبارک حضرت رسول خدا **صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ** منسوب گردانیده اند «**حدیث موضوع**» یعنی حدیث دروغی و ساختگی و جعلی می نامند.



ما اهل سنت و جماعت می دانیم که برادران سلفی این روش عملی هشتگانه خود در مورد تراویح را از هیچ آیت قرآن یا حدیث بخاری شریف، و یا از هیچ حدیث مُسْلِم شریف، و یا



از هیچ «حدیث صحیح» در ترمذی شریف، نسائی شریف، ابو داود شریف، ابن ماجه شریف، و یا حتی از هیچ کتابی از بیشتر از یک هزار و پنچ صد کتاب حدیث هرگز ثابت نخواهند توانست، از آن هم گذشته آنها هرگز قادر نیستند که این مسلک عملی خود در مورد تراویح را از حتی یک «حدیث حسن» و یا «حدیث ضعیف» نیز ثابت بگردانند، بنابراین اکنون ما اهل سنت و جماعت با دل فراخ، آخرین حد سهولت و آسانگیری را برای برادران سلفی مهیا می نمائیم و به آنها اجازه می دهیم که آنها اکنون این عمل هشتگانه خود در مورد تراویح را از روی حتی یک «حدیث موضوع و دروغی و جعلی» ثابت بگردانند! «حدیث موضوع و دروغی و جعلی» که درباره آن جناب رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده که سازنده آن دوزخی است.



از آیت قرآن می گذریم، از بخاری شریف می گذریم، از حدیث مُسَلِّم شریف می گذریم، از سنن ترمذی، سنن نسائی، سنن ابی داود، سنن ابن ماجه می گذریم، از حدیث صحیح می گذریم، از حدیث حسن می گذریم، از حدیث ضعیف می گذریم، پس اکنون آیا در میان برادران سلفی یک کسی وجود دارد که بتواند حتی از روی احادیث موضوع و جعلی و ساختگی و دروغی نیز این روش عملی هشتگانه سلفی ها در مورد نماز تراویح را ثابت بگرداند که در آن حدیث جعلی و دروغی صراحتاً مذکور باشد که حضرت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این مسلک عملی برادران سلفی را:

﴿۱﴾ «تراویح» نامیده باشد

﴿۲﴾ و این تراویح را «فوراً بعد از نماز عشاء» خوانده باشد

﴿۲۱﴾

﴿۲﴾ و این تراویح را «هشت رکعت»

﴿۴﴾ در «تمام ماه رمضان»

﴿۵﴾ «در جماعت»

﴿۶﴾ «در مسجد»

﴿۷﴾ و «دو دو رکعت» خوانده باشد

﴿۸﴾ و «قرآن را در تراویح ختم» کرده باشد.

اما نه به اتباع از روش استدلال میرزا غلام احمد قادیانی:

اما خوبتر خواهد بود برادران سلفی به یاد بسپارند که در
ارائه دلیل، روش زیر را اتباع نکنند:

میرزا غلام احمد قادیانی مدعی کذاب پیغمبری ادعاء کرد
که من رسول الله هستم و در قرآن موجود است که من رسول الله
هستم، بنابراین بر من ایمان بیاورید در غیر آن همگی به دوزخ
می روید. و چون از او مطالبه کردند که در کجای قرآن آمده که
تو رسول الله هستی؟ او در جواب دلیل آورد که آیا شما آیت قرآن
را نشنیده اید که:

وَجَاءَتْ سَيَّارَةٌ فَأَرْسَلُوا وَارِدَهُمْ فَأَدْلَى دَلْوَهُ قَالَ يَا بُشْرَى هَذَا غُلَامٌ
وَأَسْرُوهُ بِضَاعَتَهُ. ^(۱) (سوره یوسف: ۱۹)

و آیا آیت قرآن را نشنیده اید که می گوید:

وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ
مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ

(۱) یعنی: و قافله ای آمد و یکی از آنها دلو خود را در چاه افکند و (حضرت یوسف
علیه السلام را که طفل بود در چاه یافته مردم را) صدا کرد که خوشخبری باد، من این
غلام [طفل] را در چاه یافتم).

أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ. ^(۱) (سوره صف: ۶)

و آیا آیت قرآن را نشنیده اید که:

مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ

النَّبِيِّينَ. ^(۲) (سوره احزاب: ۴۰)

مردم به کذاب قادیانی گفتند: از کجای این آیات ثابت می شود که تو پیغمبر خدا هستی؟ اولین آیت درباره واقعه طفولیت حضرت یوسف علیه السلام است و دومین آیت درباره پیشگوئی بعثت حضرت محمد رسول الله صلى الله عليه وسلم توسط حضرت عیسی علیه السلام است و سومین آیت درباره اینست که سرور کاینات و فخر موجودات جناب محمد مصطفی صلى الله عليه وسلم پیغمبر خدا و خاتم النبیین می باشند.

میرزای قادیانی گفت: دلیل من اینست که اسم من میرزا غلام احمد است. از اسم من لفظ میرزا را دور کنید، می ماند غلام احمد. اکنون از آیت اول، لفظ غلام را بگیرید و باقیمانده آیت را رها کنید. از آیت دوم لفظ احمد را بگیرید و بقیه آیت را رها کنید. از آیت سوم لفظ رسول الله را بگیرید و بقیه آیت را رها کنید. اکنون این سه لفظ قرآن را با هم یکجا کنید، می شود غلام احمد رسول الله، بنابراین من به دلیل آیات قرآن، غلام احمد رسول الله هستم!

عالمی آنجا بود. به میرزای قادیانی گفت: اسم من چیست؟

(۱) یعنی: حضرت عیسی علیه السلام گفت که یا بنی اسرائیل، من پیغمبر خداستم که به سوی شما فرستاده شده‌ام. من تورات را که قبل از من آمده تصدیق می کنم و نیز شما را به آمدن پیغمبری بعد از خود که اسمش احمد است بشارت می دهم...
(۲) یعنی: حضرت محمد پدر هیچ یکی از مردان شما نیست و لیکن رسول الله و خاتم پیغمبران است.

گفت: عطاء الله. عالم گفت: لفظ عطاء را از آن دور کن می ماند
الله. حالا مطابق این اصول تو، من می شوم الله. اگر من الله هستم،
من هرگز کذابی مثل ترا رسول خود نساخته ام!
اکنون ما اهل سنت و جماعت نیز به برادران سلفی یاد
آوری می کنیم که نشود که آنها نیز یک لفظ را از یک حدیث
بگیرند و لفظ دوم را از حدیث دیگری و لفظ سوم را از حدیث
دیگری و لفظ چهارم را از حدیث دیگری و لفظ پنجم را از
حدیث دیگری و... و... و سپس آن الفاظ را بهم پینه بزنند و
آنگاه نعره بردارند که اینهم دلیل ما سلفی ها.

مثال این روش استدلال:

بطور مثال برادران سلفی ما ممکن این حدیث در بخاری
شریف را به عنوان استدلال بیاورند که:
أَنَّهُ سَأَلَ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا كَيْفَ كَانَتْ صَلَاةُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي رَمَضَانَ؟ فَقَالَتْ: «مَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَزِيدُ فِي
رَمَضَانَ وَلَا فِي غَيْرِهِ عَلَى إِحْدَى عَشْرَةَ رُكْعَةً يُصَلِّي أَرْبَعًا، فَلَا تَسَلُ عَنْ حُسْنِيَّ
وَطَوْلِيَّ، ثُمَّ يُصَلِّي أَرْبَعًا، فَلَا تَسَلُ عَنْ حُسْنِيَّ وَطَوْلِيَّ، ثُمَّ يُصَلِّي ثَلَاثًا».
یعنی: کسی از حضرت عایشه رضی الله عنها پرسید که نماز (تهجد با
وتر) رسول الله صلى الله عليه وسلم در ماه رمضان چگونه بود؟ حضرت
عایشه رضی الله عنها گفت: رسول صلى الله عليه وسلم چه در ماه رمضان و چه در
ماه های غیر رمضان یازده رکعت نماز (تهجد با وتر) می خواندند.
نخست چهار رکعت ... و باز چهار رکعت ... و سپس سه رکعت وتر.
(بخاری شریف: حدیث ۱۱۴۱)

و سپس برادران سلفی بعد این حدیث ادعاء کنند که لفظ
«هشت رکعت» از این حدیث ثابت است... و... و... زیرا چنانکه

﴿۲۴﴾

گفتیم این طریقه استدلال صحیح نمی باشد، زیرا:

﴿﴾ در کجای این حدیث شریف وجود دارد که حضرت

رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این نماز را:

﴿۱﴾ «تراویح» نامیده؟

﴿﴾ در کجای این حدیث شریف وجود دارد که حضرت

رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

﴿۲﴾ این تراویح را «فوراً بعد از نماز عشاء» خوانده؟

﴿﴾ در کجای این حدیث شریف وجود دارد که حضرت

رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

﴿۳﴾ «هشت رکعت» تراویح را

﴿۴﴾ در «تمام ماه رمضان» خوانده است؟

﴿﴾ و در کجای این حدیث شریف وجود دارد که حضرت

رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این نماز را

﴿۵﴾ «در جماعت» خوانده است؟

﴿﴾ و در کجای این حدیث شریف وجود دارد که حضرت

رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این نماز را

﴿۶﴾ «در مسجد» خوانده است؟

﴿﴾ و در کجای این حدیث شریف وجود دارد که حضرت

رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این نماز را

﴿۷﴾ «دو دو رکعت» خوانده است؟

﴿﴾ و در کجای این حدیث شریف وجود دارد که حضرت

رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

﴿۸﴾ «قرآن را در تراویح ختم» کرده است؟

این عمل هشتگانه برادران سلفی در تراویح در هیچ جای

این روایت وجود ندارد تا چه رسد به تصریح بر آنها.

﴿﴾ ثانیاً به روایت خود حضرت بی بی عایشه رضی الله عنها در صحیح بخاری شریف (حدیث ۹۲۴ و ۱۱۲۹) و صحیح مُسَلِم شریف (حدیث ۷۶۱) حضرت رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در سراسر عمر مبارک خویش نماز تراویح را «فقط سه شب خواندند و بس»، در حالی که مطابق حدیث شریف مذکور حضرت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در طول دوازده ماه هر سال در تمامی ۲۳ سال دوره پیغمبری خویش هر شب این نماز را می خواندند.

﴿﴾ ثالثاً در این حدیث شریف مذکور است که حضرت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هم در رمضان و هم در ماه های غیر از رمضان همیشه در سرتاسر سال و سراسر عمر مبارک خویش (عموماً) این یازده رکعت را می خواندند، در حالی که خود برادران سلفی به تقلید از ما اهل سنت و جماعت، نماز تراویح را فقط در یک ماه سال (ماه رمضان) می خوانند و بس، و خواندن این نماز تراویح مزعومه خویش را در یازده ماه دیگر سال ترک کرده دیده و دانسته با این حدیث استدلالی خود مخالفت می کنند.

یک نکته ضمنی:

و ضمناً در این حدیث شریف به صراحت وارد است که «آنحضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نماز وتر را چه در ماه رمضان و چه در سایر ماه های سال، همیشه سه رکعت می خواندند».

ولی برادران سلفی ما برخلاف این حدیث شریف جناب محمد مصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نماز وتر را یک رکعت می خوانند و باز همیشه می گویند که چرا شما احناف از حضرت نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پیروی نموده وتر را سه رکعت می خوانید، شما باید از ما سلفیان پیروی نموده وتر را فقط یک رکعت وتر بخوانید!

بنابراین این حدیث بخاری شریف نه تنها اینکه ربطی به نماز تراویح ندارد بلکه از هر لحاظ با مسلک عملی برادران سلفی مخالفت دارد.

خلاصه کلام آنکه:

برادران سلفی باید مطابق ادعای خویش که «غیر مقلدین دو اصول دارند: قرآن و حدیث»، برای اثبات مسلک عملی تراویح خویش تنها یک آیت شریف یا یک حدیث صحیح، و اگر آیت قرآن و حدیث صحیح ندارند، یک حدیث حَسَن و یا حدیث ضعیف بیاورند، و اگر آن را هم ندارند، پس حتی یک حدیث موضوع و دروغی و جعلی و ساختگی را ارائه کنند که این عمل هشتگانه شان درباره تراویح در آن صراحتاً موجود باشد. و اگر برادران سلفی، یک لفظ را از یک حدیث گرفتند و یک لفظ را از حدیث دیگر و لفظ سوم را از حدیث دیگر و لفظ چهارم و پنجم و ششم را از حدیث چهارم و پنجم و ششم ... و سپس آن الفاظ را بهم پینه زدند و به عنوان دلیل ارائه کردند، در این صورت لازماً دانسته می شود که تمام ادعاهای برادران سلفی سراسر خلاف حقیقت است و آنها هیچ دلیلی برای اثبات این ادعاهای خود ندارند.

برادران سلفی یک نکته دیگر را نیز به یاد بسپارند:

و آن اینکه اقوال بعضی مردمان را یا اقوال سایر بندگان را به عنوان استدلال پیش نکنند و نه اقوال شیوخ سلفی خود را ارائه کنند، زیرا اصول برادران سلفی این است که فقط «فرمان خدا و حدیث رسول».

پس اگر برادران سلفی، غیر از خدا و رسولش، اقوال کسان دیگری را به عنوان استدلال ارائه نمایند، هم گویا به دست خود اصول خودساخته خویش را به زباله دانی می اندازند و هم در همان وهله اول، خود به زبان حال می گویند که گرچه با زبان «قرآن و حدیث» می گوئیم ولی در واقعیت دلیل ما «اقوال بعضی از بندگان» می باشد.

در آخر باز می گوئیم که:

آیا برادران سلفی می توانند حتی از روی یک حدیث موضوع جعلی و دروغی و ساختگی نیز این مسلک عملی هشتگانه سلفیان در مورد تراویح را ثابت بگردانند که در آن حدیث به صراحت مذکور باشد که حضرت رسول اکرم **صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ** این مسلک عملی برادران سلفی را:

﴿۱﴾ «تراویح» نامیده باشد

﴿۲﴾ و این تراویح را «فوراً بعد از نماز عشاء» خوانده باشد

﴿۳﴾ و این تراویح را «هشت رکعت»

﴿۴﴾ در «تمام ماه رمضان»

﴿۵﴾ «در جماعت»

﴿۶﴾ «در مسجد»

﴿۷﴾ و «دو دو رکعت» خوانده باشد

﴿۸﴾ و «قرآن را در تراویح ختم» کرده باشد.

ما اهل سنت و جماعت، برادران سلفی را زحمت بسیار فراوان نمی دهیم بلکه به آنها می گوئیم که برای اثبات مسلک عملی هشتگانه شان درباره نماز تراویح فقط و فقط یک حدیث را بیاورند و بس. اگر حدیث صحیح ندارند، حدیث حسن بیارند،

اگر حدیث حَسَن ندارند، حدیث ضعیف بیارند، اگر حدیث ضعیف
ندارند، حدیث موضوع و ساختگی و دروغی و جعلی بیاورند. وَ
لَنْ يَفْعَلُوا أَبَدًا وَلَوْ كَانَتْ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظُهَيْرًا.

اگر سرخ و سیاه و زرد و اسپید
بهم آرند و نی یک دم بگیرند
چنین کاری نیاید از برِ شان
و گره‌م جملگی ماتم بگیرند

چلینج دوم



﴿ یک مسجد قبل از قرن نوزدهم میلادی ﴾



چنانکه دانستید مسلک عملی برادران سلفی در ماه مبارک
رمضان اینست که آنها:

﴿۱﴾ «فوراً بعد از نماز عشاء» در ابتدای شب

﴿۲﴾ «هشت رکعت» نماز می خوانند

﴿۳﴾ و این نماز را «تراویح» می نامند و

﴿۴﴾ تراویح را «در تمام ماه رمضان» می خوانند

﴿۵﴾ تراویح را «در جماعت» می خوانند

﴿۶﴾ تراویح را «در مسجد» می خوانند

﴿۷﴾ تراویح را «دو دو رکعت» می خوانند

﴿۸﴾ و «قرآن را در تراویح ختم» می کنند

و برادران سلفی ادعاء می کنند که آنها تنها دو اصول دارند (قرآن
و حدیث) و همه مسایل آنها از همان دو اصول ثابت است.



در مقابل این ادعای آنها ما اهل سنت و جماعت، به
برادران سلفی گفتیم که مسلک عملی خود در مورد نماز تراویح
را از روی همان دو اصول خود **قرآن و حدیث** (نه اقوال شیوخ
خود) ثابت بگردانند و برای شان سهولت های بسیاری را نیز

﴿۳۰﴾

فراهم نمودیم چنانچه حتی به آنها گفتیم که اگر آنها نمی توانند مسلک عملی خود را از روی «حدیث صحیح» ثابت بگردانند، اجازه دارند عمل خود را فقط از روی یک «حدیث حسن» ثابت کنند، و اگر نمی توانند اینکار را انجام دهند، اجازه دارند مسلک عملی خود را از روی یک «حدیث ضعیف» ثابت بسازند. و اگر از روی حدیث ضعیف هم اینکار را نمی توانند، آخرین درجه سهولت را به آنها دادیم و به آنها گفتیم که برادران سلفی اجازه دارند مسلک عملی خود را حتی از روی یک «حدیث موضوع و ساختگی و جعلی» نیز ثابت نمایند که در آن حدیث «حدیث موضوع و ساختگی و جعلی» به صراحت مذکور باشد که حضرت رسول اکرم **صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ** این مسلک عملی برادران سلفی را:

﴿۱﴾ «تراویح» نامیده باشد

﴿۲﴾ و این تراویح را «فوراً بعد از نماز عشاء» خوانده باشد

﴿۳﴾ و این تراویح را «هشت رکعت»

﴿۴﴾ در «تمام ماه رمضان»

﴿۵﴾ «در جماعت»

﴿۶﴾ «در مسجد»

﴿۷﴾ و «دو دو رکعت» خوانده باشد

﴿۸﴾ و «قرآن را در تراویح ختم» کرده باشد.



البته باید به یاد داشت که حضرت رسول الله **صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ** درباره کسی که حدیث دروغی و جعلی می سازد فرموده اند که آتش دوزخ را او برای خود آماده بداند.
«مَنْ كَذَبَ عَلَيَّ فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ». (صحیح البخاری شریف: حدیث ۱۰۷ و صحیح مسلم شریف: حدیث ۳)



اکنون می آئیم به سوی چلینج دوم:

برادران سلفی بیست رکعت تراویح متواتر و متواتر و اجماعی اُمت اسلامیة را طرد و رد می کنند و نماز تراویح را هشت رکعت معرفی می نمایند.

بعد از فرقهٔ روافض و شیعه، برادران سلفی، اولین گروهی هستند که دعوی کردند که تراویح بیست رکعت نیست. قبل از وجود این گروه، جهان اسلام از زمان صحابهٔ کرام تا آندم از شرق تا غرب و از شمال تا جنوب، همگی نماز تراویح را حداقل بیست رکعت می دانستند و بر بیست رکعت تراویح اجماع داشتند و بر آن عامل بودند.



اولین اشخاصی که از میان برادران سلفی چنین ادعائی را نمودند دو غیر مقلد هندی بودند که یکی در سال ۱۸۶۷ عیسوی در شهر اکبر آباد هند و دیگری در حوالی ۱۸۷۰ عیسوی در ولایت پنجاب هند دعوی کردند که نماز تراویح هشت رکعت است و سایر سلفی ها نیز با اتباع از این دو شخص، این ادعا را فوراً سر دست گرفتند و مانند حرز جان بر سینه محکم بستند.

چلینج دوم:

اکنون ما اهل سنت و جماعت، بار دوم، به تمامی برادران سلفی می گوئیم که اگر می پندارند که مذهب شان باطل نیست، پس قبل از سال ۱۸۵۰ عیسوی فقط یک مسجد را در دنیای اسلام نشان بدهند که مسلمانان آن مسجد بعد از نماز عشاء در ماه مبارک رمضان، برای همیشه و به طور دائمی در طول تاریخ اسلام، هشت رکعت تراویح خوانده سپس از مسجد بیرون شده باشند.



نه هزار مسجد را و نه صد مسجد را و نه ده مسجد را بلکه فقط یک مسجد را.

و ما در این باره از برادران سلفی، آیت قرآن و حدیث هم مطالبه نمی‌نمائیم بلکه حتی از روی یک کتاب معتبر تاریخی که نوشته شده قبل از سال ۱۸۵۰ عیسوی باشد، در طول تاریخ یک هزار و چهار صد ساله اسلام از اقصاء نقاط چین تا دورترین دهات اسپانیا، و از شمال تا جنوب جهان اسلامی، تنها یک مسجد را قبل از سال ۱۸۵۰ عیسوی نشان بدهند که مسلمانان آن مسجد بعد از نماز عشاء در ماه مبارک رمضان، برای همیشه و به طور دائمی در طول این ۱۶۰۰ سال اسلام، هشت رکعت تراویح خوانده سپس از مسجد بیرون شده باشند، فقط یک مسجد را.



چهلینج سوم



حَرَمِینِ شَرِیفِینِ



در سراسر جهان اسلام دو جایگاه است که بر همه فضیلت دارد و مسلمانان همیشه با دیدهٔ عظمت به آنها می نگرند. یکی مسجد الحرام شریف در مکهٔ مَعْظَمَه و دیگری مسجد نَبَوِی شریف در مدینهٔ مَنْوَرَه.

دو سال بعد از وفات حضرت رسول اکرم **صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ** از سال ۱۴ هجری قمری که امیر المؤمنین حضرت عمر فاروق رضی الله عنه بیست رکعت نماز تراویح را در پشت یک امام در مسجد نبوی شریف رسماً جاری نمود، این دو جایگاه مقدس اسلام تا امروز بر این سنت دینی استوار بوده اند و تراویح را همیشه در طول این قرون حد اقل بیست رکعت خوانده اند.



شیخ عطیه سالم سابق رحمته الله قاضی مدینهٔ مَنْوَرَه و مدرس در حرم نبوی (متوفی ۱۹۹۹ عیسوی) رساله ای به نام **«التراویح اکثر من ألف عام فی المسجد النبوی»** نوشته است و در آن با حواله های معتبر حدیثی و تاریخی - قرن به قرن - ثابت کرده است که نماز تراویح از سال ۱۴ هجری قمری تا امروزه در مسجد نبوی شریف همیشه حد اقل بیست رکعت خوانده شده است و بیست رکعت



نماز تراویح، تعامل متواتر و متواترِ اُمت اسلامی می باشد و خواندن نماز تراویح کمتر از بیست رکعت ثابت نیست.

همچنین شیخ محمد علی صابونی رحمته الله استاذ «کلیة الشریعة والدراسات الاسلامیة» در «جامعة القرى» مکه مکرمه، رساله ای به نام «الهدی النبوی الصحیح فی صلوٰة التراویح» تالیف و نشر نموده و در آن رساله اثبات کرده است که از عهد خلافت راشد تا زمان حکومت سعودیه در مکه مکرمه در مسجد الحرام شریف، نماز تراویح همیشه بیست رکعت خوانده شده است.

چلینج سوم:

اکنون ما اهل سنت و جماعت، به همه برادران سلفی می گوئیم که اگر می پندارند که مذهب شان صداقت دارد و باطل نیست، پس فقط از روی یک کتاب معتبر حدیثی یا تاریخی با سند صحیحش ثابت بسازند که در طول ۱۴۰۰ سال اسلام، مردم در مسجد الحرام شریف در مکه معظمه و یا در مسجد نبوی شریف در مدینه منوره تنها یک رمضان را هشت رکعت تراویح خوانده سپس از مسجد بیرون شده باشند. فقط در یک رمضان از بین یک هزار و چهار صد رمضان تاریخ اسلام را. اگر نتوانند چنین چیزی را ثابت کنند پس بلا شک و شبهه دانسته می شود که مذهب برادران سلفی ما بر قرآن و حدیث استوار نیست و سراسر باطل می باشد.



پس اکنون آیا برادران سلفی می توانند از روی حواله های معتبر تاریخی ثابت بگردانند که در طول ۱۴۰۰ سال و ۱۴۰۰ رمضان، مردم فقط یک رمضان را تماماً در مسجد الحرام شریف



یا در مسجد نبوی شریف، هشت رکعت تراویح خوانده و سپس
از مسجد بیرون شده باشند؟!!

طینج چهارم

﴿اجماع اُمت اسلامیہ﴾



بعد از قرآن مجید و سنت چنانکه اهل سنت و جماعت در کتب عقیدوی، فقهی، تفسیری و حدیثی و غیره خود بر آن تصریح نموده اند سومین اصل مذهب اهل سنت و جماعت «اجماع» است.

﴿﴾ امام فقیه مجتهد محدث ابو جعفر طحاوی حنفی رحمته اللہ علیہ (متوفی ۳۲۱ هـ ق) در کتاب مشهور خود «عقیده طحاوی» که مورد قبول و مَعْوَل هر چهار مذاهب حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی اهل سنت و جماعت است تصریح می کند که عقیده ما اهل سنت و جماعت اینست که:

وَلَا نُصَدِّقُ كَاهِنًا وَلَا عَرَّافًا وَلَا مَنْ يَدَّعِي شَيْئًا بِخِلَافِ الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ
وَإِجْمَاعِ الْأُمَّةِ.

ترجمه: ما سخن هیچ غیب گوئی و هیچ پیشگوئی را تصدیق نمی کنیم. و نه سخن آن شخصی را می پذیریم که چیزی را خلاف قرآن و سنت و «اجماع امت» ادعاء کند.

(عقیده طحاوی: فقرة ۱۴۹)

﴿﴾ و در مقام دیگری با صراحت روشن می سازد که عقیده ما اهل سنت و جماعت اینست:

﴿۳۷﴾

﴿﴾ وَلَا تُخَالِفُ جَمَاعَةَ الْمُسْلِمِينَ.

ترجمه: ما با «سواد اعظم» مسلمانان مخالفت نمی کنیم.
(عقیده طحاوی: فقره ۹۱)

«سواد اعظم» یعنی اهل سنت و جماعت که اکثریت قاطع مسلمانان می باشند، و مراد از مخالفت نکردن با «سواد اعظم»، مخالفت نکردن با اجماع امامان مجتهد ایشان است.

﴿﴾ امام عبد الغنی دمشقی میدانی رحمته الله در «شرح عقیده طحاویه» می نویسد:

«زیرا خداوند این امت را از اتفاق نمودن بر گمراهی عصمت بخشیده است، بنابراین هر شخصی با اجماع امامان این امت مخالفت کند، او بی شک از گمراهان است. خداوند خود درباره عصمت اجماع این امت می فرماید:

وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ
نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصَلِّهِ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا. سوره نساء آیه ۱۱۵

«یعنی هر کسی که بعد از آشکار شدن حق با پیغامبر مخالفت کند و راهی بجز از مذهب مسلمانان را در پیش گیرد، ما او را بر همان راهی که روان است وا می گذاریم و آنگاه او را به دوزخ می اندازیم. و دوزخ بد جایگاهی است.»

(شرح العقیده الطحاویه: ص ۹۵)

﴿﴾ علامه ابن کثیر شافعی رحمته الله در تفسیر خود در تحت

این آیت می نویسد:

وَالَّذِي عَوَّلَ عَلَيْهِ الشَّافِعِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ فِي الْإِحْتِجَاجِ عَلَى كَوْنِ
الْإِجْمَاعِ حُجَّةً تَحْرِمُ مَخَالَفَتَهُ هَذِهِ الْآيَةُ الْكَرِيمَةُ.

ترجمه: حضرت امام شافعی رحمته الله برای حجّت بودن اجماع و اینکه مخالفت با آن حرام است بر آیت شریف فوق استدلال

فرموده است. (تفسیر ابن کثیر: ۴۱۳/۲ طبع دار طيبة) و بر علاوه قرآن کریم چنانکه علامه ابن کثیر شافعی

می نویسد:

وَقَدْ وَرَدَتْ فِي ذَلِكَ أَحَادِيثُ صَحِيحَةٌ كَثِيرَةٌ.

احادیث صحیح کثیری درباره حجت بودن اجماع اُمت وارد شده است. (تفسیر ابن کثیر: ۴۱۳/۲ طبع دار طيبة) از اینجا دانسته شد که مخالفت با اجماع مجتهدین این اُمت ناجایز می باشد.

اجماع علماء اهل سنت و جماعت بر آنکه

حد اقل رکعات تراویح بیست رکعت است:

﴿۱﴾ امام فقیه محدث اصولی علامه علی قاری هِرَوِی حنفی رحمته الله (متوفی ۱۰۱۴ هـ ق) در «شرح مشکات» شریف به صراحت می نویسد:

أَجْمَعَ الصَّحَابَةُ عَلَى أَنَّ التَّرَاوِيحَ عِشْرُونَ رَكْعَةً.

یعنی صحابه کرام رضی الله عنهم اجماع دارند که تراویح بیست رکعت است. (مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح: ۹۷۳/۳)

﴿۲﴾ وی همچنین در کتاب دیگر خود «شرح النقایة» می

نویسد: فَصَارَ إِجْمَاعًا مَا رَوَى الْبَيْهَقِيُّ بِسَنَدٍ صَحِيحٍ أَنَّهُمْ كَانُوا يُقِيمُونَ عَلَى عَهْدِ عُمَرَ بَعِشْرِينَ رَكْعَةً وَ عَلَى عَهْدِ عَثْمَانَ وَعَلَى رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ.

یعنی بیست رکعت تراویح مسئله اجماعی گردیده، زیرا چنانکه بیهقی به سند صحیح روایت می کند صحابه کرام در زمان حضرت عمر و حضرت عثمان و حضرت علی رضی الله عنهم بیست رکعت می خواندند. (۳۴۲/۱ فصل فی التراویح)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿٣٩﴾

﴿٣٩﴾ امام فقیه محدث لُغَوِی نَحْوِی اُصُولِی علامه سید مرتضی زبیدی حنفی رحمته الله (متوفی ۱۲۰۵ هـ ق) در کتاب مشهور خود «اتحاف سادة المتقين» می نویسد:

وَبِالْإِجْمَاعِ الَّذِي وَقَعَ فِي زَمَنِ عُمَرَ، أَخَذَ أَبُو حَنِيفَةَ وَالنُّوَوِيُّ وَ الشَّافِعِيُّ وَأَحْمَدُ وَالْجُمْهُورُ.

یعنی: امام ابوحنیفه و امام شافعی و امام احمد و علامه نووی و جمهور علمای امت بر همان اجماعی که در زمان حضرت عمر رضی الله عنه واقع شد قائل می باشند.

(اتحاف سادة المتقين: ۴۲۲/۳ و تجلیات صفدر: ۳۲۸)

﴿٤٠﴾ علامه محدث ابن عبد البر رحمته الله فقیه و محدث معروف مالکی متوفی ۴۶۳ هجری قمری در کتاب مشهور خود «الاستذکار» درباره بیست رکعت تراویح می نویسد:

وَهُوَ الصَّحِيحُ عَنْ أَبِي بِنِ كَعْبٍ مِنْ غَيْرِ خِلَافٍ مِنَ الصَّحَابَةِ.

یعنی این بیست رکعت به روایت صحیح از حضرت اُبی بن کعب رضی الله عنه ثابت است بدون مخالفت احدی از صحابه کرام. (الاستذکار: ۷۰/۲ چاپ علمیه)

﴿٥٥﴾ امام مُحیی الدین بن شرف نَوَوِی رحمته الله فقیه و محدث مشهور شافعی (متوفی ۶۷۶ ق) درباره نماز تراویح می نویسد:

إِعْلَمُ أَنَّ صَلَاةَ التَّرَاوِيحِ سُنَّةٌ بِاتِّفَاقِ الْعُلَمَاءِ، وَهِيَ عِشْرُونَ رَكْعَةً.

یعنی بدان که نماز تراویح به اتفاق علماء سنت است و تعداد آن بیست رکعت می باشد. (کتاب الاذکار نووی: ۱۸۳)

﴿٤٦﴾ علامه ابن قدامه رحمته الله فقیه و محدث معروف حنبلی (متوفی ۶۲۰ ق) در کتاب مشهور فقه حنبلی «المغنی» می نویسد:

وَعَنْ عَلِيٍّ، أَنَّهُ أَمَرَ رَجُلًا يُصَلِّي بِهَمَّ فِي رَمَضَانَ عِشْرِينَ رَكْعَةً. وَهَذَا كَالْإِجْمَاعِ.

یعنی از حضرت علی رضی الله عنه روایت است که شخصی را حکم



داد تا مردم را در رمضان بیست رکعت نماز بدهد، و این مانند
اجماع می باشد. (المغنی: ۱۲۳/۲)



ما در اینجا بر ذکر فقط این شش حواله اکتفاء می نمائیم
و کسانی که جویای نقول بیشتر اجماع اند به تجلیات صفدر:
۳۲۸/۳ و ۳۲۹ چاپ مکتبه امدادیه مراجعه کنند. حجة الله فی
الارض علامه محمد امین صفدر رحمته الله ۲۶ نقول اجماع را از علماء
بزرگ امت با الفاظ مختلف آن نقل کرده است.



چلینج چهارم:

ما اهل سنت وجماعت اکنون برای بار چهارم به همه
برادران سلفی می گوئیم که اگر مذهب شان باطل نیست، پس از
نقول فقهای بزرگ و مشهور اهل سنت و جماعت ثابت کنند که
حتی یک تن ایشان صریحاً گفته باشد که:

﴿﴾ همه صحابه کرام بر هشت رکعت تراویح اجماع دارند

و یا:

﴿﴾ همه علمای اُمت بر هشت رکعت تراویح اجماع دارند

و اگر نتوانند چنین چیزی را ثابت کنند بدون شک و
شبهه ای دانسته می شود که مذهب برادران سلفی باطل می
باشد و ادعاهای برادران سلفی ما بر اینکه آنها بر قرآن و حدیث
عمل می کنند به هیچ وجه واقعیت ندارد.



﴿ ائمة اربعة اهل سنت و جماعت ﴾



حضرات ائمة اربعة رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِمْ سُنَن حضرت نبی اقدس **صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ** و سنن خلفای راشدین رضی اللہ عنہم را با چنان جامعیت و تفصیلی تدوین نموده اند که این مقام نصیب هیچ کس دیگری از امت نگردیده است، و بر همین اساس، تمامی امت مطابق راهنمایی ایشان بر این سُنَن پاکیزه عمل می نمایند.

ائمة اربعة رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِمْ بر بیست رکعت تراویح قائل می باشند و امام مالک رضی اللہ عنہ قائل به بیست رکعت نماز تراویح و شانزده رکعت نماز نفل است. تفصیل، در زیر درج می شود.



﴿ حضرت امام اعظم ابو حنیفه رحمة الله عليه ﴾

علامه ابن رشد مالکی رضی اللہ عنہ در کتاب مشهور خود «**بداية** **المجتهد**» می نویسد:

(تراویح) قیام رمضان نزد امام ابو حنیفه رضی اللہ عنہ بیست رکعت است. (بداية المجتهد لابن رشد: ۲۱۹/۱ كِتَابُ الصَّلَاةِ الثَّانِي: الْبَابُ الْخَامِسُ فِي قِيَامِ رَمَضَانَ)

امام فخر الدین قاضی خان حنفی رضی اللہ عنہ در فتاوی خود می

نگارد:

عَنْ أَبِي حَنِيفَةَ رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ قَالَ: الْقِيَامُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ سُنَّةٌ... كُلَّ لَيْلَةٍ سِوَى الْوَتْرِ عِشْرِينَ رَكْعَةً خَمْسَ تَرَوِيحَاتٍ.

ترجمه: امام ابو حنیفه رحمته الله می فرماید: در ماه مبارک رمضان بیست رکعت نماز تراویح در پنج ترویحه، علاوه بر وتر مسنون است. (فتاوی قاضی خان: ۱۱۲/۱)

﴿﴾ حضرت امام مالک بن انس رحمة الله عليه:

امام مالک رحمته الله مطابق یک قول، بیست رکعت تراویح را مُسْتَحْسَن دانسته است، چنانچه علامه ابن رُشد مالکی رحمته الله می نویسد:

فَاخْتَارَ مَالِكٌ فِي أَحَدِ قَوْلَيْهِ... الْقِيَامَ بِعِشْرِينَ رَكْعَةً سِوَى الْوَتْرِ.

ترجمه: امام مالک رحمته الله در یک قول، بیست رکعت تراویح را اختیار نموده است. (بداية المجتهد لابن رشد: ۲۱۹/۱ كِتَابُ الصَّلَاةِ الثَّانِي؛ الْبَابُ الْخَامِسُ فِي قِيَامِ رَمَضَانَ)

قول دوم امام مالک رحمته الله سی و شش رکعت است که بیست رکعت آن نماز تراویح و شانزده رکعت باقیمانده آن نفل می باشد که در نشست های بعد هر چهار رکعت تراویح می خواندند. (الحاوی للفتاوی للسیوطی: ۳۳۶/۱)

﴿﴾ حضرت امام محمد بن ادریس شافعی رحمة الله عليه:

امام شافعی رحمته الله می فرماید: قَالَ: وَأَحَبُّ إِلَيَّ عِشْرُونَ... وَكَذَلِكَ يَقُومُونَ مَكَّةَ.

ترجمه: من بیست رکعت را می پسندم و در مکه مُعَظَّمَه نیز بیست رکعت می خوانند. (قیام رمضان للمروزی: ص ۲۲۲)



بَابُ عَدَدِ الرَّكَعَاتِ الَّتِي يَقُومُ بِهَا الْإِمَامُ لِلنَّاسِ فِي رَمَضَانَ

امام شافعی رحمته الله در جای دیگری می فرماید:

وَهَكَذَا أَدْرَكْتُ بِبَلَدِنَا مَكَّةَ يُصَلُّونَ عِشْرِينَ رَكْعَةً.

ترجمه: در شهر من مکه مکرمه مردم بیست رکعت تراویح
اداء می کنند. (جامع الترمذی: ۱۶۰/۳ حدیث ۸۰۶ أَبْوَابُ الصَّوْمِ؛
بَابُ مَا جَاءَ فِي قِيَامِ شَهْرِ رَمَضَانَ)

﴿﴾ حضرت امام احمد بن حنبل رحمه الله عليه:

علامه ابن قدامة حنبلی رحمته الله ترجمان ممتاز فقه حنبلی می

نویسد:

وَالْمُخْتَارُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ رَجِمَهُ اللَّهُ فِيهَا عِشْرُونَ رَكْعَةً. وَ
بِهَذَا قَالَ الثَّوْرِيُّ، وَأَبُو حَنِيفَةَ، وَالشَّافِعِيُّ.

ترجمه: مذهب مختار نزد امام ابو عبد الله (احمد بن حنبل)
رحمته الله بیست رکعت تراویح است، و امام سفیان ثوری رحمته الله، امام
ابوحنیفه رحمته الله و امام شافعی رحمته الله نیز قائل بر بیست رکعت تراویح
اند. (المغنی لابن قدامة الحنبلی: ۱۲۳/۲ مسألة ۱۰۹۴ مسألة قِيَامِ
شَهْرِ رَمَضَانَ عِشْرُونَ رَكْعَةً)
این بود تفصیل مذاهب اربعه اهل سنت و جماعت.



حالا به برادران سلفی یادآور می شویم که چنانکه در فوق
ثابت شد حد اقل رکعات نماز تراویح به اجماع امامان اربعه اهل
سنت و جماعت بیست رکعت می باشد و بنابراین مسلک برادران
سلفی مخالف اجماع مذاهب اربعه اهل سنت و جماعت می
باشد.

چلینج پنجم:

و اکنون ما اهل سنت و جماعت به برادران سلفی می
گوییم که اگر منهج شان باطل نیست، پس از کتب فقهی مشهور و
معتبر و معول هر مذهب از چهار مذهب اهل سنت و جماعت
ثابت بسازند که حتی یک تن از میان این امامان چهارگانه اهل
سنت و جماعت؛ امام ابوحنیفه، امام مالک، شافعی یا امام احمد
بن حنبل رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ گفته باشد که مذهب من این است که
مردم هشت رکعت نماز تراویح خوانده سپس از مساجد بیرون
شوند.

چلینج ششم



﴿ فرموله جدید سلفیان: نماز وتر و تراویح و تهجد یک نماز است ﴾



برادران سلفی ما نماز تراویح را هشت رکعت معرفی می کنند، ولی برای اثبات آن هیچ دلیلی ندارند، چنانچه در چلینج اول به تفصیل تمام روشن گردید که برای اثبات مسلک عملی هشتگانه تراویح خود، برادران سلفی یک «حدیث صحیح یا حسن ویا ضعیف» در کنار، حتی یک «حدیث جعلی و ساختگی و دروغی» نیز ندارند، بنابراین آنها هر روز ناچار دلیل‌های تازه‌ای را بخاطر ادامه زندگی مذهب خود اختراع می کنند.



چنانچه بعضی از کلانسران سلفیان این «فرموله» را ساخته اند که «نماز تهجد و نماز وتر و نماز تراویح گرچه سه نماز جداگانه است ولی چون همه آنها در شب (صلاة اللیل) خوانده می شود پس همه آنها یک نماز است نه سه نماز». سایر برادران سلفی نیز کورکورانه از این فرموله پیروی می کنند و نام این پیروی کور کورانه از کلانسران خود را «اتباع از قرآن و حدیث» می گذارند.

﴿ اولاً ما به برادران سلفی خویش یادآور می شویم که این «فرموله شان» مخالف قرآن عظیم الشان و احادیث رسول اکرم

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و مذاهب اربعه اهل سنت و جماعت بوده لذا باطل می باشد بلکه این فرموله شان، ایجاد بدعت در مقابله سنت حضرت رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می باشد.

﴿﴾ ثانياً این سه نماز که اسامی جداگانه و خصوصیات جداگانه دارند، اگر واقعاً یک نماز باشند، در این صورت برادران سلفی فقط یک رکعت نماز بخوانند و سپس مساجد را ترک کنند. زیرا آنها وتر را یک رکعت می دانند، و چون این سه نماز تراویح و وتر و تهجد در مذهب آنها در حقیقت یک نماز است، پس اگر آنها یک رکعت نماز بخوانند و اسم آن را نماز «صلاة الليل» بگذارند، در این صورت هم مطابق مذهب خود عمل نموده همه نمازهای تراویح و تهجد و وتر را خوانده اند و هم بعد یک رکعت نماز با ترک کردن مساجد، برادران سلفی سایر مسلمانان را از شر خود نجات خواهند داد.

﴿﴾ ثالثاً اگر برادران سلفی این فرموله خود را قبول دارند، پس از این به بعد، نماز شام و نماز حُفْتَن (مغرب و عشاء) را نیز نخوانند بلکه تنها یک رکعت نماز بخوانند و اسمش را «صلاة الليل» بگذارند و مطابق فرموله شان این یک رکعت از طرف نماز مغرب و نماز عشاء و سایر نمازهای شب شان هم کفایت خواهد کرد، زیرا همه این نمازها « با وجود داشتن اسامی جداگانه و اوقات جداگانه و خصوصیات جداگانه، مطابق فرموله خودشان فقط یک نماز [صلاة الليل] می باشد، زیرا همه آنها در شب خوانده می شود». اما با وجود این گونه ادعاهائی، بازهم برادران سلفی چنین کاری را (تا امروز) مرتکب نمی شوند، زیرا آنها در عمق دل خویش بخوبی می دانند که این «فرموله» شان سراسر باطل می باشد.

چلینج ششم:

ما اهل سنت و جماعت به برادران سلفی می گوئیم که از روی حتی یک حدیث شریف با سند صحیح ثابت بسازند که حضرت رسول اکرم **صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ** در آن فرموده باشند که:

«ای مسلمانان! نماز تراویح و نماز وتر و نماز تهجد، گرچه اسم‌های جداگانه و اوقات جداگانه و خصوصیات جداگانه دارند، ولی در حقیقت همه یک نماز هستند، زیرا همگی در شب خوانده می شوند، و اگر یکی از آنها را خواندید مثل آنست که همه شان را خوانده باشید!»!

فقط از روی یک حدیث صحیح!

چلیچ، منضم



﴿ روایت بی بی عایشه و خود بی بی عایشه ﴾



همانگونه که گفته شد چونکه برادران سلفی ما برای اثبات مذهب خود بر آنکه نماز تراویح هشت رکعت است دلیلی ندارند، ناچار راه های دیگری برای ادامه حیات مسلک خود می سازند.

یکی از این کارهای برادران سلفی اینست که از میان ذخیره احادیث شریف یک حدیث را گرفته معنای اصلی آن را تغییر داده و از پیش خود معنای دلخواسته خود را بر آن چسپانیده نخست همان معنای ساخته و پرداخته خود را برای مردم عامه بیان نموده آنگاه آن حدیث را به عنوان دلیل مذهب خود عرضه می کنند. مثلاً برادران سلفی، حدیث حضرت بی بی عایشه صدیقه رضی الله عنها را (که درباره نماز تهجد و وتر سراسر سال حضرت رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می باشد) گرفته معنای آن حدیث شریف را تغییر داده چند چیز نادرست از جانب خود در آن آمیخته آنگاه آن را به عنوان دلیل هشت رکعت تراویح ارائه می کنند. حالآنکه در آن حدیث شریف، حضرت بی بی عایشه رضی الله عنها به وضاحت تصریح کرده است که این نماز (تهجد و وتر) همان نمازی است که حضرت رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در طول دوازده ماه سال، چه ماه رمضان

و چه سایر ماه‌ها آن را می‌خواندند، در حالی که نماز تراویح فقط در ماه مبارک رمضان خوانده می‌شود و بس.



نکات دیگری را که بایست دربارهٔ این حدیث دانست این است که بیست رکعت نماز تراویح ۴ سال بعد از وفات حضرت رسول اکرم **صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ** در سال ۱۴ هجری قمری توسط امیرالمؤمنین حضرت عمر فاروق رضی الله عنه در موجودیت صحابهٔ کرام و تابعین عظام و سایر اُمت استقرار یافت و از آن سال تا امروز اهل سنت و جماعت همیشه عقیده داشته‌اند که حد اقل نماز تراویح بیست رکعت می‌باشد.

و حضرت اُم المؤمنین بی بی عایشه صدیقه رضی الله عنها در سال ۵۷ یا ۵۸ هجری قمری وفات نمود (سیر اعلام النبلاء ذَهَبِي: ۴/۶۲۲ چاپ دار الحدیث) که به این ترتیب بیست رکعت نماز تراویح در مقابل چشمان حضرت بی بی عایشه صدیقه رضی الله عنها در مسجد نبوی شریف در طول ۴۳ یا ۴۴ سال خوانده می‌شد و وی در طول این ۴۳ یا ۴۴ سال؛ حضرت عمر رضی الله عنه، حضرت عثمان رضی الله عنه، حضرت علی رضی الله عنه و سایر صحابه و تابعین و غیره مسلمانان را مشاهده می‌کرد که همه بر بیست رکعت تراویح اجماع کرده‌اند.

اگر این حدیث استدلالی برادران سلفی واقعاً در مورد نماز تراویح باشد، پس حضرت اُم المؤمنین بی بی عایشه صدیقه رضی الله عنها در طول این ۴۳ یا ۴۴ سال حتی یکبار هم که شده می‌بایست بر حضرت عمر رضی الله عنه، حضرت عثمان رضی الله عنه، حضرت علی رضی الله عنه و سایر صحابهٔ کرام رضی الله عنهم اعتراض می‌کرد که این بیست رکعت نماز تراویح که شما بر آن اجماع کرده‌اید نماز تراویح حضرت رسول خدا **صَلَّى**

اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیست، بلکه نماز تراویح آنحضرت صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هشت رکعت بود و اینکه شما بیست رکعت می خوانید بدعتی است که شما ایجاد کرده اید!

ولی هیچ روایتی وجود ندارد که حضرت أم المؤمنین بی بی عایشه صدیقه رضی الله عنها حتی یکبار هم بر آن بزرگواران اعتراض گرفته به آنها گفته باشد که سنت رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هشت رکعت تراویح است، نه بیست رکعت.

از اینجا این نکته چون روز روشن ثابت می شود که این حدیث شریف ارائه ای برادران سلفی حتی نزد أم المؤمنین بی بی عایشه صدیقه رضی الله عنها هم در مورد نماز تراویح نیست بلکه در مورد مجموعه نماز تهجد و وتر آنحضرت صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می باشد که آنحضرت آن را در همه دوازده ماه سال چه در رمضان و چه در غیر رمضان هر شب می خواند و از همین جهت حضرت بی بی عایشه صدیقه رضی الله عنها بر خلفای راشدین و سایر صحابه و تابعین هرگز اعتراض نگرفت.

چلنج هفتم:

ما اهل سنت و جماعت به برادران سلفی می گوئیم که اگر مذهب شان باطل نیست، پس از روی حتی یک روایت صحیح ثابت بسازند که حضرت بی بی عایشه رضی الله عنها با وجود آنکه برای ۴۳ یا ۴۴ سال صحابه و تابعین و سایر مسلمانان را در مسجد نبوی شریف مشاهده می کرد که همگی بیست رکعت تراویح می خوانند حتی یکبار آن حدیث (تهجد و وتر) را به رخ صحابه کرام کشیده به ایشان گفته باشد که سنت حضرت رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هشت رکعت تراویح است نه بیست رکعت.

چلینچ، ششم



﴿ یک فقیه معتمد و مُسَلِّم قبل از پیدایش سلفی ها ﴾



خداوند عظیم اُمت اسلامی را سپردِ فقهای کرام نموده و به امت هدایت فرموده است تا از فقهاء پیروی کنند:

﴿ فَلَؤَلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ ﴾ (سوره توبه ۱۲۲)

یعنی چرا از هر گروهی از ایشان کسانی نمی روند تا تفقه در دین پیدا کنند تا چون نزد قوم خود برگردند آنها را انذار دهند تا شاید آنها از (کیفر الهی) خود را بر حذر نگهدارند.

﴿ و حضرت رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز فرموده است:

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ يُرِدِ اللهُ بِهِ خَيْرًا يُفَقِّهْهُ فِي الدِّينِ».

ترجمه: هر کسی که خداوند برایش خیر و خوبی را اراده

می فرماید وی را در دین فقیه می گرداند. (صحیح البخاری: ۲۴/۱)

حدیث ۷۱ باب مَنْ يُرِدِ اللهُ بِهِ خَيْرًا يُفَقِّهْهُ فِي الدِّينِ

﴿ و حضرت امام ترمذی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ در ترمذی شریف بعد از

نوشتن مسئله ای می فرماید:

وَكَذَلِكَ قَالَ الْفُقَهَاءُ وَهُمْ أَعْلَمُ بِمَعَانِي الْحَدِيثِ.

ترجمه: فقهاء این چنین فرموده اند و ایشان به معانی

﴿۵۲﴾

حدیث عالمتر هستند. (ترمذی شریف: تحت حدیث ۹۹۰)
بنابراین، اهل اسلام از ابتدای اسلام تا امروز همیشه پیرو
فقهای کرام رحمة الله علیهم اجمعین بوده اند.

چلینج هشتم:

ما اهل سنت و جماعت به برادران سلفی می گوئیم که
اگر مذهب شان راست است، پس از یک فقیه معتبر و مُسَلِّم
اسلام که قبل از استیلای حکومت انگلیس بر کشورهای اسلامی
در قرن ۱۹ عیسوی و پیدا شدن فرقه سلفی وفات کرده باشد، با
سند صحیحش ثابت بسازند که وی گفته باشد که:

﴿﴾ نماز تراویح از زمان خلافت فاروقی ؓ تا زمان استیلای
انگلیس بر کشورهای مسلمان بر هشت رکعت استقرار و استمرار
یافته بود.

﴿﴾ و یا گفته باشد که عمل متواتر و متوارث امت اسلام
و روایات بیست رکعت تراویح را رها کنید و فقط هشت رکعت
خوانده سپس از مساجد بیرون شوید.

آیا کسی در میان برادران سلفی هست که بتواند این
چلینج را ثابت کند؟

طینج نهم

امام بخاری و روایت بخاری



چنانکه گفته شد برادران سلفی ما چون در مورد اثبات آنچه که آنها «نماز تراویح سلفی» می خوانند هیچ دلیلی ندارند ناچار به هر طرفی می روند و به هر کاری دست می زنند. یکی از این کارهای آنها اینست که درباره حدیث حضرت بی بی عایشه صدیقه رضی الله عنها (که در مورد نماز تهجد و وتر می باشد و همچنین صد در صد مخالف مسلک عملی آنها می باشد) می گویند که:

«این حدیث را امام بخاری در کتاب التراویح در بخاری آورده ثابت می کند که نماز تراویح و نماز تهجد یک نماز است و نماز تراویح اصلاً همان هشت رکعت تهجد است.»



اما این ادعای برادران سلفی نیز یک ادعای نادرست است زیرا خود امام بخاری رحمته الله هم نماز تراویح را در ماه مبارک رمضان می خواند و هم نماز تهجد را می خواند. علامه قسطلانی رحمته الله شارح صحیح بخاری (متوفی ۹۲۳هـ) در ارشاد الساری شرح صحیح البخاری تصریح می کند که:

وكان يختم في رمضان في كل يوم ختمةً ويقوم بعد صلاة التراويح كل ثلاث ليالٍ بختمةٍ، وقال وراقه: كان يصلي في وقت السحر ثلاث عشرة ركعة.

ترجمه: «حضرت امام بخاری رحمته الله در هر روز رمضان یکبار قرآن را ختم می نمود و در شب نماز تراویح را اداء نموده بعداً نماز تهجد (به همراه وتر) را نیز سیزده رکعت در وقت سحر می خواند و به اینگونه در هر سه شب یکبار قرآن را ختم می نمود.»
(إرشاد الساري لشرح صحيح البخاري: ٣٧/١ چاپ اميريه)
﴿﴾ علامه ابن حجر عسقلانی رحمته الله (متوفی ٨٥٢ هـ) در

فتح الباری شرح صحیح بخاری نیز تصریح می کند که:
كَانَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ الْبُخَارِيُّ إِذَا كَانَ أَوَّلَ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ يَجْتَمِعُ إِلَيْهِ أَصْحَابُهُ فَيَصِلُ بِهِمْ وَيَقْرَأُ فِي كُلِّ رَكْعَةٍ عَشْرِينَ آيَةً وَكَذَلِكَ إِلَى أَنْ يَخْتَمَ الْقُرْآنَ وَكَانَ يَقْرَأُ فِي السَّحْرِ مَا بَيْنَ النُّصْفِ إِلَى الثُّلُثِ مِنَ الْقُرْآنِ فَيَخْتَمُ عِنْدَ السَّحْرِ فِي كُلِّ ثَلَاثِ لَيَالٍ وَكَانَ يَخْتَمُ بِالنَّهَارِ فِي كُلِّ يَوْمٍ خَتْمَةً وَيَكُونُ خَتْمَهُ عِنْدَ الْإِفْطَارِ كُلِّ لَيْلَةٍ وَيَقُولُ عِنْدَ كُلِّ خَتْمَةٍ دَعْوَةَ مُسْتَجَابَةٍ.

ترجمه: «امام بخاری رحمته الله در ماه رمضان در ابتدای شب، مردم را نماز تراویح می داد و در هر رکعت، بیست آیت قرآن را قرائت می کرد تا آنگاه که قرآن را ختم می نمود. و همچنین در آخر شب تا نزدیک سحری یک سوم یا نصف قرآن را در نماز تهجد می خواند و به این گونه در هر سه شب یکبار قرآن را در تهجد ختم می نمود. و همچنین روزانه یک بار قرآن را تا وقت افطار ختم می کرد و می فرمود که در وقت ختم قرآن، دعاء مستجاب است.» (فتح الباری شرح صحیح البخاری: ٤٨١/١ چاپ دار المعرفه)



از حواله‌های فوق مانند آفتاب نیم روز به روشنی دانسته می‌شود که برادران سلفی در این ادعای خود در مورد امام بخاری رحمته الله نیز از خلاف حقیقت کار گرفته اند.



و اینکه چرا امام بخاری رحمته الله این حدیث شریف حضرت بی بی عایشه صدیقه رضی الله عنها را نخست در کتاب التهجُّد در صحیح بخاری آورده ^(۱) دلیلش اینست که امام بخاری رحمته الله می‌خواهد ثابت کند که این حدیث در مورد نماز تهجُّد حضرت رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌باشد و سپس همان حدیث را در کتاب التراویح ^(۲) نیز آورده است تا مردم نپندارند که نماز تهجُّد در ماه مبارک رمضان به خاطر نماز تراویح معاف می‌گردد، نه، بلکه مردم بر علاوه تراویح، نماز تهجُّد را نیز باید بخوانند و تنها بر نماز تراویح بسنده نکنند.

امامان بزرگ حدیث قبل از امام بخاری رحمته الله و بعد از وی نیز عین کار را انجام داده اند مثلاً:

﴿۱﴾ امام فقیه محدث مجتهد حضرت مالک بن انس رحمته الله (متوفی ۱۷۹هـ) در موطاء.

﴿۲﴾ امام فقیه محدث مجتهد حضرت محمد بن الحسن شیبانی رحمته الله (متوفی ۱۸۹هـ) در موطاء.

﴿۳﴾ امام محدث ابو عیسی ترمذی رحمته الله (متوفی ۲۷۹هـ) در جامع الترمذی.

(۱) صحیح البخاری: ۵۳/۲ حدیث ۱۱۴۷ کتاب التهجُّد؛ بَابُ قِيَامِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِاللَّيْلِ فِي رَمَضَانَ وَغَيْرِهِ

(۲) صحیح البخاری: ۴۴/۲ حدیث ۲۰۰۸ کتاب صلاة التراویح؛ بَابُ فَضْلِ مَنْ قَامَ رَمَضَانَ

چلیچ دهم



افغانستان و مردم افغانستان



از زمان دخول به دایرهٔ اسلام تا امروز، افغانستان یکی از مراکز مهم اسلام در جهان بوده است. مردم دلاور و بلندفکر و سلحشور افغانستان خدماتی چنان عظیم دینی، علمی، فرهنگی و نظامی در دین اسلام انجام داده اند که نظیرش را در تاریخ اسلام انگشت شمار می توان یافت.

مردم افغانستان در مقابل لشکر اسلام که توسط خلفای راشدین ارسال شده بود سر تسلیم خم کردند و سپس در طول خلافت اموی و خلافت عباسی پیرو مرکز اسلام یعنی دار الخلافهٔ بغداد بودند. با ضعف خلافت عباسی، خاندان غزنوی در افغانستان بر سریر اقتدار نشست و این خاندان دلیر و دین دوست و علم پرور، خدمات بزرگی برای اسلام و اهل اسلام انجام داد که بزرگ ترین آنها فتح دیار هند و نشر دین اسلام در آن سرزمین بود.

با اضمحلال دولت غزنوی، خاندان غوری بر اریکهٔ سلطنت مستقر شد و این خاندان غیور و دین دوست و علم پرور نیز در طول اقتدار خود نیز خدمات بزرگی برای اسلام و اهل اسلام انجام داد.

با اضمحلال غوریان، سلطنت خوارزمشاهی و سپس سلطنت سلجوقیان حاکم شدند و آنها نیز به نوبه خود خدمات گرانقدری انجام دادند. خاندان لودی افغانستان نیز در این وهله زمان، قدرت نظامی اسلام را در هند و بنگال بیش از پیش ساخت.

سپس امیر تیمور لنگ و به دنبال وی خاندان تیموری بر اریکه قدرت افغانستان استقرار یافتند. خدمات خاندان تیموری در افغانستان چنان بود که تا امروزه آثار خیرش در صفحات تاریخ ثبت است و بلاد اسلامی در تمدن و فرهنگ آنقدر جلوه نمود که بابر پادشاه چون یک قرن بعد شهر هرات را مشاهده کرد گفت: چشم روزگار شهری زیباتر از هرات ندیده.

بعد از اضمحلال سلطنت تیموری «بابر» یکی از نواده‌های تیمور، سلطنت خود را که به نام سلطنت مغولیه مشهور گشت در افغانستان و هند بنیاد گذاشت و سلطنت مغولیه برای چندین صد سال بر هند حکمرانی نمود و اسلام را در آن دیار نشر داد. از بزرگترین سلاطین مغول می‌توان از سلطان اورنگ زیب عالمگیر رحمته الله علیه نام برد. سلطنت مغولیه هند سرانجام توسط انگلیس در قرن نوزدهم عیسوی از بین رفت و این همان زمانی بود که دولت آن وقت انگلیس چندین فرقه جدید را در میان اهل اسلام به وجود آورد تا آنها در بین خود مسلمانان فتنه و تفرقه و خانه جنگی را برپا کنند.

یکی از این فرقه‌ها **فرقه قادیانی بود که از ختم نبوت پیغمبر اسلام حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم انکار نمود و فرقه دیگر فرقه سلفی** ها بود که از تقلید امامان اسلام (امام ابوحنیفه رحمته الله علیه، امام مالک رحمته الله علیه، امام شافعی رحمته الله علیه و امام احمد رحمته الله علیه) انکار کردند. آنها در هند و پاکستان بنام فرقه اهل حدیث و غیر مقلدین یاد می‌شوند.

سلطنت بایری یا مغول در افغانستان دوام نیافت بلکه خاندان هوتکی و سپس خاندان ابدالی (دُرانی) اقتدار افغانستان را در دست گرفتند. از مشهورترین اُمرای هوتکی می توان از محمود شاه هوتکی نام برد که بعد از شکستن قدرت صَفَوِیان شیعه ایران در قندهار به داخل ایران لشکر کشیده تا قلب ایران پیش رفته در نبرد «گلناباد» تمام قدرت شیعه های صَفَوِی را شکست داد و قلب مرکز دولت شیعه ایران یعنی اصفهان را فتح کرد.

از بزرگان خاندان ابدالی می توان از احمدشاه ابدال رحمته الله علیه نام برد که در جنگ «پانی پت» در هند، قدرت ناقابل شکست مَرآتَه های هندو را چنان از میان برداشت که تا امروز آنها دیگر از خاکدان تاریخ سر بر نیاورده اند.

این بود مختصری از تاریخ افغانستان و مردم سلحشور آن.



آمدیم بر سر مطلب:

در طول این قرون تاریخی در افغانستان صدها هزار فقیه و محدث و مفسر و قاضی و مفتی و سایر علمای دین پیدا شده اند و هزاران تن ایشان از مشاهیر جهان اسلام گردیده اند.

چلنج دهم:

ما اهل سنت و جماعت به همه برادران سلفی می گوئیم که اگر مذهب شان باطل نیست، پس از روی تاریخ های مستند افغانستان با سند صحیح ثابت بسازند که از زمان خلافت خلفای راشدین، خلافت اُمویان، خلافت عباسیان، سلطنت غزنویان، سلطنت غوریان، سلطنت خوارزمشاهیان، سلطنت



سلجوقیان، سلطنت تیموریان، سلطنت هوتکیان تا زمان سلطنت ابدالیان، در افغانستان حتی یک فقیه مشهور یا یک محدث مسلم یا یک عالم معتبر افغانستان نوشته یا گفته باشد که نماز تراویح به اجماع اُمت فقط هشت رکعت هست، لذا شما هشت رکعت خوانده سپس از مساجد بیرون شوید.



خلاصه کلام:

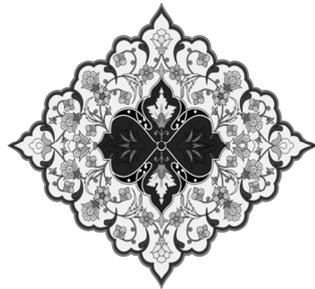
خلاصه کلام آن است که برادران سلفی با جدا شدن از اهل سنت و جماعت در مورد مسئله بیست رکعت تراویح، با اجماع و تواتر و توارث عملی اُمت محمدیه **عَلَى صَاحِبِهَا الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ** مخالفت کرده اند و عجب تر اینکه در مورد آنچه که مسلک عملی شان است حتی یک دلیل نیز ندارند.

البته برادران سلفی در پیشروی مردم ساده ادعاهای بسیار می کنند و ما نیز این ده چلینج را به زبان ساده خدمت برادران سلفی و عامه مردم پیش نمودیم تا حقیقت ادعاهای برادران سلفی برای همگان آشکار و روشن شود.

وَ آخِرُ دَعْوَانَا أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

محمد ابراهیم تیموری

ابن محمد اعظم تیموری، ابن محمد شفیع تیموری، ابن ملک افضل تیموری، ربیع الثانی ۱۴۳۷ قمری مطابق دلو ۱۳۹۴ شمسی مطابق فروری ۲۰۱۶ میلادی



درباره مؤلف



محمد ابراهیم ولد محمد اعظم ولد محمد شفیع تیموری

۱۴ سنبله ۱۳۴۸ شمسی مطابق ۱۳۸۹ قمری

جوی شیر، کابل، افغانستان

مکتب قاری عبد الله، کابل

هند، کالج دولتی کرنال، کرنال، هند (حیات شناسی)

پوهنتون جامعه ملیه اسلامیة، دهلی نو، هند (زبان عربی)

دار العلوم دیوبند، هند

مدرسه رحیمیه، دهلی، هند (تا دوره مشکات)

مدرسه امینیه، دهلی، هند (دوره حدیث)

مدرسه امینیه، دهلی، هند (دوره افتاء)

عقائد ما

مختصر عقائد

اسلام چیست

چگونه حج کنید

زیورهای بهشتی (پنج حصص)

گوهرهای بهشتی

زیورهای بهشتی (کامل در دو جلد)

نماز اهل سنت و الجماعة

اصول التجوید

چرا در داخل نماز رفع یدین نمی کنیم

چهل حدیث: چرا در داخل نماز رفع یدین نمی کنیم

عقائد اسلام

اسم:

تاریخ ولادت:

محل ولادت:

تحصیلات ابتدائی:

ادامه تحصیلات:

علوم دینی:

کتاب و تراجم:

عقیدہ طحاوی (ترجمہ فارسی)
عقائد اہل سنت و جماعت
ترجمہ نماز اہل سنت و الجماعت بہ انگلیسی
Salah of Ahlu-Sunnah wal-Jama'ah
ترجمہ عقیدہ طحاوی بہ انگلیسی
The Creed of Imam Tahawi
چرا بیست رکعت تراویح؟
تراویح: ده چلینج خدمت برادران سلفی

تماس با مؤلف:

موبایل، واتس اپ، تلگرام:

۰۰۴۴۷۷۶۰۰۳۱۳۷

Email:

miteymori@gmail.com

